



است، لیکن در قرآن یا حدیث به آن اشاره نشده است، به خداوند خودداری می‌کند [تنها صفاتی را می‌توان به خدا نسبت داد که در قرآن یا حدیث آمده است]. نظریه «احوال» ابوهاشم جبائی نیز طرد می‌شود؛ اراده خدا با اراده بشر یکسان نیست، خداوند در عظمت و سخاوت و کرم خود مستغرق است، نه به وسیله عدل محصور، و با این صفات نهبان سعادت و بهترین مصالح بشر است. بیشترین استناد معتزلیان بغداد به گفته های ابوالقاسم بلخی کعبی است. کتاب اوائل همانند ابو اسحاق نظام، جنبه اعجاز و تقلید ناپذیری قرآن را ناشی از اراده الهی مبنی بر بازداشتن دیگران از تقلید این کتاب می‌داند، نه اینکه ذاتاً قرآن تقلید ناپذیر باشد. او با تردید می‌گوید که احتمالاً متن فعلی قرآن، دست نخورده و کامل است. این گفته به طور ضمنی تفسیری است بر احادیث امامیه در این باب و مخالف نظر پاره‌ای-نه همه- امامیان معاصرش که معتقد بودند اهل سنت آیاتی از قرآن را کاسته و حتی برخی آیات را به آن افزوده‌اند. در حقیقت شیخ مفید در اثر قبلی خود (المسائل السرویه فی الثقلین الکتاب والعترة، نجف، ص ۵۹) راجع به این مطلب بحث کرده است.

در ادامه مسائل اساسی، یک سری مسائل فرعی تر لیکن مرتبط مانند توبه، تفسیر و بیان مقدار حجیت احادیث. آخرت و غیره مطرح می‌شود. بعدها ویرایش دوم کتاب اوائل، علاوه بر مباحث پیشین، دو سری مسائل مربوط به نکات ظریف الهیات را در بر می‌گیرد. بیشتر این مسائل به ذریگیری (جزء لا یتجزل) و برخی نیز به فلسفه طبیعی (طبیعیات) مربوطند، که ممکن است راسا رسالات مستقلی بوده باشند، لیک بخوبی پاره‌ای از این کتاب بشمار می‌روند. نظریه ترکیب اشیاء از ذرات و حوادث، برای متکلمان به عنوان پایه‌ای برای اثبات وجود خدا از طریق اثبات حدوث جهان ضرورت داشت. ذریگیری مؤلف اوائل به استثنای یک مورد مخالفت (اینکه ذرات امتداد دارند)، از معتزله بغداد و در برابر معتزله بصره پیروی می‌کند. مهمترین اختلافات قابل توجه این مذهب آن است که معتزلیان بغداد مؤلف اوائل وجود خلا را منکرند و مدعی هستند که اشیاء دارای کیفیات یا طبع و یا طبایعی هستند که طبق آن رفتار می‌کنند.

سرانجام، شیخ مفید به مخالفت ماتریالیسم بیشتر معتزلیان بغداد و بصره بر می‌خیزد و بشر را محصول مقطعی از زمان، خود زی، فراتر از مقولات ذره و تصادف تعریف می‌کند. این نظریه- همان طور که شیخ مفید در یکی دیگر از آثارش بیان می‌کند- به معنای آن است که بخشی اساسی بشر روح است (المسائل، ص ۲۵)

در تاریخ اعتقادی امامیه بخصوص به دلیل ارتباط آن با معتزله، کتاب اوائل از اهمیت خاصی برخوردار است و صرفاً یک رساله سیستماتیک کلامی و یا نوشتاری درباره بدعت به شمار نمی‌رود.

هوداری از حضرت علی و انکار سه خلیفه مقدم بر او- جوهره تشیع محسوب می‌شود؛ همچنان که جوهره اعتزال اعتقاد به «منزله بین المنزلتین» در مورد مرتکب گناه کبیره است طبق این نظریه مسلمانی که مرتکب گناه کبیره می‌شود، نه مؤمن است و نه کافر، بلکه در منزلتی میان آن دو قرار دارد. هر کس این نظریه را نپذیرد، معتزلی نیست، هر چند در عقاید و نظرات دیگر با آنان موافقت کند.

کتاب «اوائل» مصرانه وحی را برای کمک به عقل لازم می‌داند. هم در مورد استنتاجات منطقی و مقدمات قضایا و هم برای اطمینان یافتن از روند استدلال در مبانی دین.

دیگر مسائل عمده‌ای که این کتاب با نظریات همه معتزله مخالفت دارد، عبارتند از: اعتقاد به عصمت و لغزش ناپذیری امامان، اعتقاد به رجعت و بازگشت مجدد بسیاری از بهترین شیعیان و گروهی از بدترین دشمنان آنان در عصر ظهور حضرت مهدی-ع- که در آن هنگام در آخرین جنگ حق و باطل یاران مهدی (عج) پیروز خواهند شد، اعتقاد به اینکه شیعیان مرتکب گناه کبیره همچنان مؤمن هستند (بر عکس اعتقاد معتزله که قائل به «منزله بین المنزلتین» شده و چنین گناهکاری را نه مؤمن می‌دانند و نه کافر)، و اعتقاد به اینکه شیعیان مرتکب کبیره، در صورتی که همچنان ایمان خود را حفظ کرده باشند، در جهنم محلّد نخواهند شد (برعکس نظریه معتزله که قائل به حتمیت و وجوب وعد و وعید هستند.)

در مورد مسائل توحید و عدل الهی، مؤلف با معتزله همعقیده است و در جزئیات آن با مکتب بغداد- در برابر مکتب بصره- همسخن است. بنابراین مؤلف اوائل، همصدا با معتزلیان بغداد در نسبت دادن صفات که از تحلیل عقلی به دست آمده